

# قصه‌هایی برای از بین بردن غصه‌ها (۲)

## از موج تا اوج



### ۶۵ داستان هوش معنوی و حکایات عرفانی

به کوشش:

مسعود لعلی



بهار ساز

## فهرست مطالب

<p>۳ - داستان‌های تحول ..... ۴۹</p> <p>داستان حضور قلب ..... ۵۱</p> <p>پسری کوچک و درسی بزرگ ..... ۵۲</p> <p>عاشقی را که شلاق می‌زدند ..... ۵۳</p> <p>وقتی ملاصدرا گریست ..... ۵۵</p> <p>معنویت و خودشکوفایی ..... ۵۷</p> <p>جوانی گمنام، عاشق دختر ..... ۵۹</p> <p>خدا بر درت می‌کوبد ..... ۶۱</p> <p>دزد حرف شنو ..... ۶۲</p> <p>حکایت عبرت آموز مرد خیاط ..... ۶۳</p> <p>۴ - داستان‌های مبارزه با شیطان ... ۶۵</p> <p>اعتقادات مان را چند می‌فروشیم؟ ..... ۶۷</p> <p>ماجرای ملا و مسجد و شراب! ..... ۶۹</p> <p>راه کنترل وسوسه‌ها ..... ۷۱</p> <p>جماعت پیران و کودکان ..... ۷۲</p> <p>روش شناختن شیطان ..... ۷۳</p> <p>اجزای هوش معنوی ..... ۷۵</p> <p>گفت‌وگوی من با شیطان ..... ۷۸</p> <p>از شیطان پرسیدند ..... ۷۹</p> <p>۵ - خدا مهربان است ..... ۸۱</p> <p>ای آینده، من مال خدا هستم ..... ۸۳</p> <p>علامه جعفری و راننده تاکسی ..... ۸۶</p> <p>دو جعبه‌ای که خدا به من داده بود ..... ۸۷</p> <p>چرا خدا انسان را آفرید؟ ..... ۸۸</p> <p>خطاکاری که به بهشت رفت ..... ۸۹</p>	<p>مقدمه ..... ۷</p> <p>۱ - داستان‌های توکل و رضا و ... ۱۳</p> <p>بستگی داره توپ دست کی باشه ..... ۱۵</p> <p>تا او نخواهد، اخراج نمی‌شوم ..... ۱۷</p> <p>داستان باری بخش ..... ۲۰</p> <p>اینجا چه می‌کنی؟ ..... ۲۲</p> <p>سرنوشت حیرت‌انگیز کودک ..... ۲۳</p> <p>حکایتی شیرین از سعدی ..... ۲۴</p> <p>سفر حج با یک سکه ..... ۲۵</p> <p>چرا بهلول دعا نکرد؟ ..... ۲۶</p> <p>نقره ناب ..... ۲۷</p> <p>نیایش (۱) ..... ۲۹</p> <p>نیایش (۲) ..... ۳۰</p> <p>۲ - داستان‌های خداشناسی ..... ۳۱</p> <p>راه شناخت ..... ۳۳</p> <p>پا بر سر مکان نه، تا لامکان بینی ..... ۳۵</p> <p>هوش معنوی ..... ۳۶</p> <p>آدرس خدا ..... ۴۰</p> <p>خداشناسی را از این پیرزن بیاموزیم ..... ۴۱</p> <p>وحدت در عین کثرت ..... ۴۲</p> <p>داستان قتل عام ..... ۴۳</p> <p>داستان زیبای حضور ..... ۴۴</p> <p>نام دیگر خدا ..... ۴۵</p> <p>چرا خدا را نمی‌بینیم؟ ..... ۴۶</p> <p>آیا خدا با بندگانش صحبت می‌کند؟ ..... ۴۷</p>
---	---



مرا عصمت ده تا هیچ گناهی ...	۹۰
کافری که از ابراهیم طعام خواست.....	۹۱
عین القضاات همدانی (نامه‌ها) .....	۹۳
۶ - فقط «او».....	۹۵
آرزوهای برادر .....	۹۷
عشق واقعی .....	۹۹
کور حقیقی.....	۱۰۰
نسیم و مورچه.....	۱۰۰
۷ - و خدایی که در این نزدیکی... ..	۱۰۱
دو داستان: شرم حضور .....	۱۰۳
چرا می ترسیم؟ .....	۱۰۴
شیوه دعای کودک .....	۱۰۵
حکایت حکمت آمیز بهلول .....	۱۰۶
شیرجه.....	۱۰۹
به کلینیک خدا رفتیم .....	۱۱۰
داستان بنده‌نوازی.....	۱۱۲
پیامک‌های عارفانه.....	۱۱۳
۲۷.....	۲۷
۵۷.....	۵۷
۸۷.....	۸۷
۶۷.....	۶۷
۱۸.....	۱۸
۶۸.....	۶۸
۹۸.....	۹۸
۷۸.....	۷۸
۸۸.....	۸۸
۶۸.....	۶۸

آن را که دل از عشق پر آتش باشد  
هر قصه که گوید همه دلکش باشد  
توقصه عاشقان همی کم شنوی  
بشنو بشنو که قصه‌شان خوش باشد

**مقدمه**

در افسانه‌ها آمده است در آغاز که خدا می‌خواست جهان را خلق کند به هر موجود زنده‌ای فرشته‌ای داد تا از آن محافظت کند و برایش مایه خیر و برکت باشد.

فرشته‌ای برای انسان‌ها، برای پرندگان، برای چهار پایان و حیوانات جنگل، برای درختان و برای گل‌ها.

حتی علف هم فرشته‌ای داشت. اما فرشته علف خوشحال نبود. او احساس می‌کرد خوار و خفیف شده است، پس گفت: «من که کاری ندارم انجام بدهم چون علف به خودی خود رشد می‌کند.»

ایامی سپری شد علف پژمرده شد گل‌ها از بین رفتند چون علف هیچ شبی نداشت. آهوان جنگل و گله‌های مزارع هم از بی‌علفی مردند.

سپس خدا از فرشته علف پرسید: «وقتی از تو خواستم این کار را بکنی از نظر تو کاری پیش پا افتاده بود یا مهم؟»

فرشته علف با شرمندگی در پیشگاه خدا به زانو درآمد و تقاضای بخشش کرد؛ چون متوجه عظمت و وظیفه‌اش که قبلاً، از نظر او کاری پست و حقیر بود به‌شمار می‌آمد.

رحمت و عنایت الهی شامل تمام موجودات از موج تا اوج عالم هستی - چه از نظر جایگاه مکانی و چه جایگاه کمالی - است و موجودی از خوان



تفضلّ الهی بی‌نصیب نیست. جالب اینجاست این عنایت چنان پُر رنگ و خاصه می‌نماید که هر انسانی را به این گمان دچار می‌کند که تنها خودش است که در این پهنای بی‌کران از چنین رحمتی برخوردار شده است.

کتاب از *موج تا اوج* مجموعه‌ای است از داستان‌ها و تمثیل‌های معنوی - عرفانی که به واسطه پیام‌های روح‌بخش و امیدوار کننده‌اش در کنار مطالب حکمت‌آمیز، در ادامه کتاب قصه‌هایی برای از بین بردن غصه‌ها (۱) قرار داده‌ام.

و اما دو نکته:

۱ - به شدت نسبت به تکرار جملات و مخصوصاً داستان‌های کوتاه در کتاب‌هایم حساسیت دارم. اما به علت تعدد کتاب‌ها ممکن است گاهی به ندرت مطالب در بعضی از آثارم تکرار شده باشد. تنها استثنا در این زمینه - تکرار عامدانه مطالب - وقتی است که با هدف آشنایی بیشتر خوانندگان محترم با دیگر آثارم بعضی از جملات و داستان‌ها را به صورت بسیار محدود با ذکر منبع تکرار می‌کنم که البته در این کتاب چنین اتفاقی نیفتاده است.

البته در برخی موارد نیز داستان تکراری است اما نتیجه و برداشتی که از آن می‌شود گرفت کاملاً متفاوت است. در این کتاب هم فکر می‌کنم دو سه داستان چنین شرایطی را دارند.

۲ - همیشه خود را مقید کرده‌ام که به دلایل علمی و اخلاقی به منابع کتاب‌هایم اشاره ننمایم. اما متأسفانه در بعضی موارد از منبعی استفاده کرده‌ام که اشاره‌ای به منبع اصلی نشده است - بیشتر منظورم در اینجا اینترنت می‌باشد - لذا برای من نام گردآورنده و یا نویسنده مطلب معلوم نیست که زکری از آن کنم. در همین‌جا مخصوصاً از دوستان

وبلاگ‌نویسم و کسانی که اقدام به گردآوری مطالب و چاپ آنها می‌کنند صمیمانه در خواست می‌کنم هنگام استفاده از منابع برای به‌روز رسانی وبلاگ‌ها و سامانه‌های اینترنتی و نیز آثار مکتوب احترام به اصول اخلاقی را از یاد نبرند و از هیچ مطلبی بدون ذکر منبع استفاده نکنند.

۳ - خط سیر نویسندگی‌ام را به دو مرحله تقسیم‌بندی می‌کنم:

مرحله اول؛ که با کتاب «شما عظیم‌تر از آنی هستید که می‌اندیشید»، (انتشارات بهار سبز، تهران ۱۳۸۲) آغاز گردیده، عمدتاً بر محور «قصه‌درمانی» می‌باشد. کوتاه و اثربخش بودن ابزار داستان، تمثیل و حکایات مرا بر آن داشت که از این ابزار در بیان تجربیات شخصی‌ام و نیز دیگران بهره بگیرم.

کتاب‌های زیر شامل مرحله اول می‌باشد (اعداد داخل پرانتز به تعداد داستان‌ها و تمثیل‌های موجود در آن اثر اشاره دارد).

۱ - شما عظیم‌تر از آنی هستید که می‌اندیشید (۹۷)

۲ - بهشت یا جهنم انتخاب با شماست (۱۱۰)

۳ - مشکلات را شکلات کنید (۸۵)

۴ - جانب عشق عزیز است فرو مگذارش (۸۲)

۵ - به بلندای فکرت پرواز خواهی کرد (۵۹)

۶ - عالمی دیگر بباید ساخت و زنو آدمی (۱۵۱)

۷ - مثل زرافه باش، یک سر و گردن از بقیه بالاتر (۶۵)

۸ - قصه‌هایی برای از بین بردن غصه‌ها (۳۹)

۹ - عکس و مکث (۱۱)

۱۰ - روز را خورشید می‌سازد، روزگار را ما (۵۴)

۱۱ - یک روز را ۳۶۵ بار تکرار نکنیم، ج ۱ (۴۰)

۱۲ - یک روز را ۳۶۵ بار تکرار نکنیم، ج ۲ (۲۲)